

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شرق روزنامه

شنبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۵ • ۲۴ صفر ۱۴۴۸ • ۸ آگوست ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۴۴۶ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر-تهران ۱۲:۱۰ • اذان مغرب ۱۹:۲۱ • اذان صبح فردا ۳:۴۴ • طلوع آفتاب ۵:۱۸



با آغاز نخستین ساعات روز و هزمان با طلوع خورشید، بوستان ملت مشهد به یکی از پرترددترین و پویاترین فضاهای ورزش همگانی در این شهر تبدیل می‌شود، جایی که شهروندان از حدود ساعت ۵ صبح فعالیت روزانه خود را با پادروزی، دویدن و انجام تمرینات ورزشی آغاز می‌کنند. این بوستان ۷۲ هکتاری در غرب مشهد و حاشیه بزرگراه وکیل‌آباد، هر روز میان صدها شهروند از گروه‌های سنی مختلف است که ورزش را به‌عنوان بخشی از سبک زندگی خود انتخاب کرده‌اند.عکس: سید حمید حیدری، ایسنا

instagram:sharghdaily1
twitter:sharghdaily
youtube:sharghdaily
Telegram:SharghDaily
apararat:tasvirshargh
www.sharghdaily.com

آتش و نمایش



سعید نیا

مستند ساز

با تعداد عملیات‌های آتفا‌ی حریق سنجید، بلکه باید با تعداد بحران‌هایی سنجید که بیش از وقوع، از آنها جلوگیری شده است. تفاوت میان مدیریت پیشگیرانه و مدیریت واکنشی دقیقاً همین‌جاست.

میانکاله امروز محصول سال‌ها انباشت فشار است؛ کاهش ورودی آب، پسروی دریای خزر، تغییرات اقلیمی، فشارهای انسانی، تعارض بر سر‌کاربری اراضی و ضعف سازوکارهای حفاظتی، در چنین شرایطی، مهم نیست آخرین شعله را چه چیزی روشن کرده است؛ زیرا بحران بیش از آنکه در یک لحظه آغاز شود، در سال‌ها تصمیم‌گیری ناقص ساخته شده است.

این همان جایی است که مفهوم شکست نهادی معنا پیدا می‌کند. وقتی نهادهای مسئول و مدیریت بحران، به‌جای پیشگیری، دائماً غافلگیر می‌شوند و سپس از وقوع بحران وارد عمل می‌شوند، آن‌هم با اتکا بر رویکردهای واکنشی و ابزارهایی که پاسخ‌گویی پیچیدگی بحران‌های امروز نیستند، وقتی هشدارها شنیده نمی‌شوند و وقتی مسئولیت میان دستگاه‌ها پراکنده می‌شود، نتیجه چیزی جز فرسایش ظرفیت حکمرانی نیست. شاید بزرگ‌ترین خطر برای میانکاله، خود آتش نباشد، بلکه عادی‌شدن آتش باشد. جامعه‌ای که هر چند روز یک بار تصاویر دود و خاکستر را می‌بیند، اما سپس از مدتی دیگر شگفت‌زده نمی‌شود، وارد مرحله‌ای خطرناک

یادداشت

هزینه پنهان سانسور

گسترده رسانه‌های برون‌مرزی فارسی‌زبان در نقاط مختلف جهان را می‌توان در همین نقطه جست‌وجو کرد؛ چراکه مخاطب زمانی که با روایت‌های ناقص، گزینشی یا تاخیر در ارائه روایت اول مواجه شود، برای یافتن تصویری کامل‌تر از واقعیت به این رسانه‌ها روی خواهد آورد. در چنین شرایطی، رقابت رسانه‌ای دیگر صرفاً رقابت بر سر سرعت انتشار خبر نیست؛ رقابت بر سر تبدیل‌شدن به مرجع ذهنی مخاطب است. رسانه‌ای که در بزنگاه‌های خبری، روایت اول، دقیق و قابل اتکا را ارائه نکند، به تدریج جایگاه خود را در ذهن مخاطب از دست می‌دهد و این خلا را رسانه‌های دیگر، فارغ از جهت‌گیری سیاسی یا حرفه‌ای‌شان، پر خواهند کرد. از این منظر، سکوت، تاخیر یا روایت ناقص، نه یک ضعف مقطعی، بلکه عاملی برای انتقال تدریجی اعتماد عمومی به رقبای رسانه‌ای است. حفظ مرجعیت رسانه‌ای مستلزم آن است که رسانه، حتی در شرایط ابهام، با شفافیت درباره آنچه می‌داند و آنچه هنوز در دست بررسی است، سخن بگوید و فرآیند اطلاع‌رسانی را متوقف نکند. مخاطب بیش از آنکه انتظار قطعیت مطلق داشته باشد، انتظار صداقت، استمرار و مسئولیت‌پذیری در روایت را دارد. هر اندازه این انتظارات بهتر پاسخ داده شود، احتمال حفظ اعتماد و تداوم رجوع مخاطب به همان رسانه افزایش خواهد یافت. این مسئله، پرسش مهم‌تری را پیش‌روی ما قرار می‌دهد: الگوی حکمرانی رسانه در ایران چیست؟ در نظریه‌های رسانه، میان رسانه دولتی و رسانه عمومی تفاوتی بنیادین وجود دارد. رسانه‌های عمومی، حتی اگر از منابع عمومی تأمین مالی شوند، مشروعیت خود را از اعتماد شهروندان می‌گیرند و مأموریتشان خدمت به حق دسترسی جامعه به اطلاعات است. در مقابل، رسانه‌ای که اهریدر و اولویت اصلی خود را اجرای ملاحظات ساختاری و حاکمیتی بداند و در خدمت حاکمیت صرف قرار گیرد، ناگزیر با این چالش روبرو می‌شود که چگونه میان الزامات و محدودیت‌های مدیریتی و الزامات حرفه‌ای تعادل برقرار کند. طرح این پرسش‌ها ضروری است که رسانه ملی، در عمل تا چه میزان توانسته است ویژگی‌های یک رسانه عمومی و ملی را که در بیان متعلق به مردم می‌داند، محقق کند؟ آیا امروزه صداوسیما از استقلال حرفه‌ای کافی برای روایت کامل رویدادها برخوردار است؟ و آیا مخاطب احساس می‌کند این رسانه خود را در برابر او مسئول می‌داند؟ پس بنا بر این بیان، پاسخ به این پرسش‌ها، از بررسی یک

سانسور مهم‌تر است. در ادبیات دموکراسی رسانه‌ای نیز مسئله صرفاً تعدد رسانه‌ها در یک منطقه جغرافیایی مشخص نیست؛ کیفیت گردش اطلاعات، شفافیت تصمیم‌های تحریریه، میزان بازتاب دیدگاه‌های متنوع و پاسخ‌گویی در برابر افکار عمومی و در یک جمله رسانه‌ای که در خدمت مردم باشد، است. هرچه فاصله میان این اصول و عملکرد روزمره رسانه ملی بیشتر شود، هزینه آن نه‌فقط آفول تعداد مخاطب، بلکه فرسایش سرمایه اجتماعی خواهد بود. به زعم عده‌ای، بحران امروز پیرامون رسانه ملی، محصول ظهور شبکه‌های اجتماعی بین‌المللی است. البته این تنها بخشی از واقعیت است. فناوری، رقابت را دشوارتر کرده است، اما فناوری به‌تنهایی مرجعیت هیچ رسانه‌ای را از میان نمی‌برد. امروز مرجعیت را تضعیف می‌کند، تصمیم‌هایی است که مخاطب را به این نتیجه می‌رساند که برای خوانش و فهم کامل واقعیت، باید به جای دیگری مراجعه کند. مدیریت بحران در جهان پیچیده و پرتنش امروز که هر لحظه با دگرگونی‌های مختلفی روبه‌رو است، دیگر با تأخیر و تعلل در انتشار یا حذف بخشی از اطلاعات معنا نمی‌یابد. مدیریت بحران، رقابت برای حفظ اعتماد است. رسانه‌ای که نخستین روایت معتبر رسانه‌ای را از میان نهد، حتی اگر همه پاسخ‌ها را نداشته باشد، شانس حفظ مرجعیت خود را دارد؛ اما رسانه‌ای که روایت ناقص یا یک روایت گزینشی را عرضه کند، میدان را دودستی و داوطلبانه به دیگران واگذار می‌کند. شاید بزرگ‌ترین مسئله رسانه ملی، نه رقابت با رسانه‌های خارجی باشد و نه تغییر فناوری؛ مسئله اصلی، نوع مواجهه با مخاطب است. رسانه‌ای که مخاطب را با لغ و صلابت حق انتخاب بداند، می‌کوشد با شفافیت اعتماد او را حفظ کند. اما رسانه‌ای که بیش از اندازه در مدیریت جریان اطلاعات تکیه کند، ممکن است در کوتاه‌مدت بخشی از روایت را کنترل کند، ولی در بلندمدت کنترل مهم‌تری را از دست بدهد؛ کنترل بر اعتماد. در نهایت، تاریخ رسانه‌ها نشان داده است هیچ رسانه‌ای صرفاً با قدرت فرستنده مرجع نمی‌شود و هیچ رسانه‌ای نیز صرفاً با ظهور رقیب، مرجعیت خود را از دست نمی‌دهد. مرجعیت، حاصل انباشت اعتماد در طول زمان است، با اعتماد، محصول روایت‌هایی است که مخاطب احساس کند چیزی از آنها پنهان نشده است. در عصر وفور اطلاعات، سانسور دیگر ابزاری برای کنترل روایت نیست؛ گاهی فقط راهنمایی است که به مخاطب نشان می‌دهد روایت کامل را باید در جای دیگری جست‌وجو کند.

آتش‌سوزی‌های جنگلی بی‌سابقه در سراسر اروپا، رکورد تازه‌ای بر جای گذاشته و برآورد می‌شود بین ۱۵.۶ تا ۱۹.۱ میلیارد یورو (معادل ۱۸ تا ۲۲ میلیارد دلار) خسارت اقتصادی و زیان کلی به همراه داشته باشد. گرمای شدید و خشک‌سالی طولانی‌مدت موجب تشدید آتش‌سوزی‌های خطرناک در کشورهایی از جمله فرانسه، اسپانیا و یونان شده است؛ آتش‌سوزی‌هایی که تاکنون بیش از ۵۰۰ هزار هکتار از اراضی را سوزانده‌اند. داده‌های سامانه اطلاعات آتش‌سوزی جنگل‌های اروپا نشان می‌دهد فرانسه و اسپانیا از جمله کشورهایی بوده‌اند که گسترده‌ترین آتش‌سوزی‌ها را تجربه کرده‌اند؛ در حالی که در بریتانیا نیز بیش از ۲۲ هزار هکتار زمین در آتش سوخته است. در فرانسه بیش از ۲۲۴ هزار نفر از منطقه‌ای به وسعت ۴۲۰ کیلومتر مربع تخلیه شدند. کارشناس معتقدند امکان وقوع آتش همچنان در بخش‌های غربی و مرکزی اروپا تداوم خواهد داشت.

۵۰۰ هزار هکتار

پژوهشگران دانشگاه زوریخ در سوئیس با انجام یک مطالعه جامع بر روی داده‌های بیش از ۱۶۶ هزار نفر از چهار کشور، دریافت‌اند ویژگی‌های شخصیتی در طول زندگی به‌طور چشمگیری تغییر می‌کنند. این مطالعه باور رایج مبنی بر ثابت‌بودن شخصیت پس از بزرگسالی را به چالش می‌کشد. مدت‌ها بود که هم عموم مردم و هم بسیاری از روان‌شناسان معتقد بودند ویژگی‌های شخصیتی دائمی، بسیار پایدار و عمدتاً ارثی هستند و پس از کودکی تغییر چندانی نمی‌کنند. نتایج نشان داد پنج ویژگی اصلی شخصیتی در طول عمر به اندازه سایر عوامل زندگی مانند درآمد، سلامت و رضایت از زندگی تغییر می‌کنند؛ برای مثال، وظیفه‌شناسی (تعیل به دقیق، کوشا و مسئول‌بودن) در دوران نوجوانی با ۹۰سالگی یکسان نیست. پژوهشگران تأکید دارند که این مطالعه بر تغییرات متوسط در گروه‌های بزرگ متمرکز بوده و نحوه تغییرات در سطح فردی را نادیده گرفته است.

۱۶۶ هزار نفر

حقوق‌خوانی

وعده‌های مهاجرتی

چرا میانکاله و جنگل‌های زاگرس تا این اندازه مستعد سوختن شده است؟ سیزدهمین آتش‌سوزی میانکاله در کمتر از سه هفته! و یک پرسش مشخص‌تر؛ سازمان حفاظت محیط زیست دقیقاً کجای این بحران ایستاده است؟ آیا نقش آن فقط ثبت خسارت‌ها و همراهی با عملیات پس از وقوع حریق است یا باید پیش از شعله‌ورشدن آتش، در خط مقدم طراحی ایده‌های نوین حفاظت، پیشگیری و مطالبه‌گری قرار گیرد؟ در مدیریت بحران، تکرار یک رویداد، آن را از حادثه به الگو تبدیل می‌کند. وقتی یک تالاب در فاصله چند روز بارها می‌سوزد، دیگر مسئله فقط آتش نیست؛ مسئله، ساختاری است که اجازه می‌دهد بحران تکرار و به بخشی از زندگی روزمره تبدیل شود. در روزهای گذشته اعلام شد از اواخر تیرماه تاکنون دست‌کم ۱۳ آتش‌سوزی در میانکاله رخ داده و نقش عوامل انسانی نیز در حال بررسی است. کاهش تراز آب دریا‌ی خزر، خشکی نزارها و گرمای کم‌سابقه، زمینه‌گسترش حریق را فراهم کرده‌اند. اما اینها تنها نشانه‌های بیرونی بحران هستند. اگر همه مسئله را به تغییرات اقلیمی محدود کنیم، یک پرسش اساسی بی‌پاسخ می‌ماند؛ چرا برخی زیست‌بوم‌ها در برابر فشارهای اقلیمی مقاوم‌تر هستند و برخی دیگر به کوچک‌ترین جرقه‌ای واکنش فاجعه‌بار نشان می‌دهند؟ پاسخ را باید در پیوند میان طبیعت و حکمرانی جست‌وجو کرد. طبیعت زمانی آسیب‌پذیر می‌شود که ظرفیت‌های مدیریتی نیز فرسوده شده باشند. در ادبیات نوین بوم‌شناسی آتش، پژوهشگرانی مانند اسکات استونز در دانشگاه برکلی تأکید می‌کنند که آتش دشمن طبیعت نیست، بلکه نشانه برهم‌خوردن تعادل یک زیست‌بوم است. اکوسیستمی که از آب، رطوبت، پوشش گیاهی سالم و مدیریت علمی برخوردار باشد، حتی در دوره‌های گرم نیز الزاماً به کانون بحران تبدیل نمی‌شود.

همین نگاه در پژوهش‌های لوری دتیلز، استاد بوم‌شناسی آتش در دانشگاه بریتیش کلمبیا نیز دیده می‌شود؛ موفقیت یک نظام مدیریتی را نباید

حسین قلی‌خانی: سانسور بخش‌هایی از سخنان مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، درباره اخذ مجوز از رهبر شهید انقلاب برای مذاکره از سوی رسانه ملی در روزهای اخیر که با واکنش‌های متعددی همراه شد، در ظاهر یک تصمیم تحریریه به نظر می‌رسد، اما در واقع نشانه‌ای از مسئله‌ای عمیق‌تر است؛ مسئله‌ای که در ایجاد بزرگ‌تر به حکمرانی رسانه، مدیریت بحران و نسبت میان قدرت و اعتماد عمومی بازمی‌گردد. در عصر حاضر و با ظهور شبکه‌های اجتماعی، تقریباً هیچ روایتی در هیچ کجای دنیا پنهان‌شدنی نیست. مهم این است که مخاطب حقیقت را نخست از چه کسی خواهد شنید. همین تغییر سادهد، مهم‌ترین تحول زیست‌بوم رسانه‌ای دو دهه اخیر است که دگرگونی‌های گسترده‌ای را رقم زده است.

رسانه ملی کشورمان در دوره‌های مختلف با انتقادهایی درباره قطعیت سخنان مسئولان و پوشش گزینشی برخی رویدادها مواجه بوده است. این ختم‌شی نشان می‌دهد که اتفاق رخ‌داده، یک خطای محاسباتی درون‌سازمانی نیست؛ بلکه بازتاب الگویی است که بارها و بارها تکرار شده است. تکرار، مهم‌تر از خود خطاست. آری این حقیقت است؛ زیرا خطا به اعتماد لطمه می‌زند، ولی تکرار خطا، اعتماد حاصل‌شده در سال‌های گذشته را به‌عادت تبدیل می‌کند؛ عادت‌ی که مخاطب را وادار می‌کند برای یافتن روایت کامل و جامع که مطابق با واقع باشد، رسانه دیگری را انتخاب کند. به تعبیر پژوهشگران و اندیشمندان حوزه ارتباطات، اعتماد مهم‌ترین سرمایه و داشته یک رسانه است. تجهیزات و فناوری‌های نوین و قدرت‌مند، بودجه‌های کلان، انحصار در بخش و دسترسی به منابع رسمی، هیچ‌کدام جایگزین اعتماد نمی‌شوند. مخاطب زمانی رسانه‌ای را مرجع خود می‌داند که اطمینان داشته باشد روایت آن رسانه، کامل، منصفانه و قابل اتکاست؛ حتی اگر با همه اجزای آن موافق نباشد. از این‌رو، سانسور یک شکست فنی محسوب نمی‌شود و قطعا یک هزینه راهبردی است. هر بار که مخاطبان برای تکمیل یا صحت‌سنجی یک روایت، ناچار به مراجعه به رسانه‌ای دیگر می‌شوند، مرجعیت رسانه‌ای جابه‌جا می‌شود و رسانه رقیب چند دقیقه تصویر یا چند خبر بیشتر به دست نمی‌آورد، بلکه عادت رسانه‌ای مخاطب را تصاحب می‌کند. این همان سرمایه‌ای است که بازسازی آن بسیار دشوارتر از ساخت یا حتی حفظ آن خواهد بود. از همین رو، یکی از مهم‌ترین دلایل فعالیت

محمدهادی جعفریور: در سال‌های اخیر، افزایش تقاضا برای مهاجرت، بازار گسترده‌ای را برای ارائه خدمات مهاجرتی ایجاد کرده است. در کنار مؤسسات و اشخاصی که در چارچوب قانون فعالیت می‌کنند، افراد و شرکت‌هایی نیز پدید آمده‌اند که با بهره‌گیری از خلا آگاهی حقوقی متقاضیان، وعده‌هایی می‌دهند که نه‌تنها پشتوانه قانونی ندارد، بلکه گاه می‌تواند مصداق بارز توسل به وسایل متقلبانه باشد. امروزه تبلیغاتی با عناوین همچون «اخذ تضمینی ویزا»، «اقامت قطعی»، «دریافت پاسپورت شخصی» یا «چاپ ویزا»، «مشاور ارشد مهاجرت» یا «وکیل مهاجرت» به وفور در فضای مجازی و حتی دفاتر رسمی مشاهده می‌شود. اما پرسش اساسی این است که آیا هر فرد یا شرکتی که چنین ادعاهایی مطرح می‌کند، اساساً مجوز قانونی لازم برای انجام این فعالیت‌ها را داراست؟ از منظر حقوقی، پاسخ منفی است. صرف ثبت یک شرکت، اجازه یک دفتر، استخدام کارمند، تبلیغات گسترده یا انعقاد قرارداد، هیچ‌یک دلیلی بر مشروعیت فعالیت یا صلاحیت حرفه‌ای نیست. نخستین موضوعی که باید بررسی شود، موضوع فعالیت شرکت در اساسنامه، مجوزهای قانونی، حدود اختیارات مدیران و انطباق خدمات ارائه‌شده با قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی است. چه‌بسا شرکتی صرفاً مجاز به ارائه خدمات آموزشی یا مشاوره‌ای باشد، اما در عمل تعهد اخذ ویزا، اقامت یا تابعیت را بر عهده بگیرد؛ تعهدی که اساساً خارج از حدود اختیارات آن است. در این میان، قرارداد نیز همواره به نفع متقاضی تنظیم نمی‌شود. تجربه پرورنده‌های متعدد نشان می‌دهد بسیاری از قراردادهای مهاجرتی به‌گونه‌ای تنظیم شده‌اند که مسئولیت اصلی بر دوش متقاضی قرار می‌گیرد. گاه در متن قرارداد، شرکت صرفاً «مشاور»، «امین» یا «نماینده» معرفی می‌شود و متقاضی نیز با امضای آن اقرار می‌کند که از تمامی شرایط، مخاطرات و احتمال رد درخواست آگاه بوده و نتیجه را تضمین‌شده نمی‌داند. همین عبارات، بعدها به مهم‌ترین ابزار دفاعی شرکت در برابر مطالبه خسارت یا دعوی کیفری تبدیل می‌شود. از سوی دیگر، استفاده از عنوان «وکیل مهاجرت» نیز نیازمند دقت است. در نظام حقوقی ایران، عنوان مستقلاً به نام «وکیل مهاجرت» وجود ندارد. عنوان وکیل صرفاً به شخصی اطلاق می‌شود که دارای پروانه معتبر وکالت دادگستری از کانون وکلای دادگستری یا مرکز وکلای قوه قضائیه است. بنابراین استفاده تبلیغاتی از عنوان «وکیل مهاجرت» بدون تبیین وضعیت قانونی شخص، می‌تواند موجب گمراهی مخاطب شود. البته این امر مانع از آن نیست که یک وکیل دادگستری در حوزه حقوق مهاجرت دارای تجربه یا تخصص نباشد، اما این تخصص، عنوان قانونی جدیدی ایجاد نمی‌کند. از منظر کیفری نیز باید میان عدم انقضای تعهد قراردادی و کلاهبرداری تفاوت قائل شد. هر فرضی قرارداد، جرم نیست؛ اما اگر شخصی با شرکت از ابتدا با توسل به وسایل متقلبانه، ایجاد طواهر فریبده، استفاده از عناوین غیرواقعی، ارائه اطلاعات خلاف واقع، وعده‌های غیرقابل تحقق یا پنهان‌کردن واقعیت‌های مؤثر، اعتماد متقاضی را جلب کرده و از این طریق مالی تحصیل کند، رفتار او می‌تواند مشمول ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری باشد. براساس این ماده، هرکس از راه حیله و تقلب، مردم را به وجود شرکت‌ها، اختیارات، اموال یا اختیارات واهی امیدوار کند یا با اتخاذ وسایل متقلبانه، آنان را فریب داده و از این طریق مال دیگری را بربرد، کلاهبردار محسوب می‌شود. بنابراین، اگر ایجاد دفتر، تبلیغات، استفاده از عناوین فاقد مبنای قانونی، ارائه تضمین‌های غیرواقعی یا معرفی اختیاراتی که وجود خارجی ندارد، وسیله‌ای برای اغفال متقاضی و دریافت وجه باشد، این اقدامات می‌تواند در کنار سایر شرایط قانونی، از مصادیق توسل به وسایل متقلبانه تلقی شود. تشخیص تحقق این جرم، با بررسی ادله و احراز ارکان قانونی، مادی و روانی آن توسط مرجع قضائی امکان‌پذیر است. بسیاری از قربانیان، بیش از مراجعه به دادگاه، مهم‌ترین دلیل علیه خود را امضا کرده‌اند؛ قراردادی که بسیاری از مسئولیت‌ها از دوش ارائه‌دهنده خدمات برداشته شده است. از این‌رو، متقاضیان پیش از هر اقدام یا پرداخت وجه یا امضای قراردادی باید درباره اعتبار شرکت، مجوزهای قانونی، موضوع فعالیت، سابق حرفه‌ای، هویت واقعی مدیران و حدود اختیارات آنان تحقیق کنند و در صورت امکان، قرارداد را پیش از امضا در اختیار یک وکیل دادگستری قرار دهند. هزینه یک مشاوره حقوقی گاه از خسارتی که بر اثر اعتماد به وعده‌های فریبده ایجاد می‌شود، به‌مراتب کمتر است.

زنان

موج نفرت

دانشجویان در هند به مصوبه جدیدی اعتراض کردند. آنها نه‌تنها به خیابان‌ها آمدند بلکه با انتشار ویدئوهایی در شبکه‌های اجتماعی نسبت به اتفاق پیش‌آمده اعتراض کردند؛ اما اتفاق عجیبی رخ داد. زنان مورد حملات سایبری شدید قرار گرفتند. بی‌بی‌سی با چند زن دراین باره گفت‌وگو کرده است. یکی از زنان بیست‌وچند ساله می‌گوید: «از همان روزهای اول درباره اعتراضات پست می‌گذاشتم، اما ماجرا وقتی شروع شد که اولین بار شخصاً در تظاهرات شرکت کردم. بعد از حمله پلیس و قطعی اینترنت در اطراف محل تجمع، به خانه برگشتم و شروع به انتشار روایت‌هایی دست‌اول در اینستاگرام کردم. همچنین در سازمان‌دهی غذا، کمک‌های اولیه و جذب نیروهای داوطلب کمک کردم. فکر می‌کردم فقط کمک انسانی می‌کنم و اصلاً نگاه سیاسی به موضوع نداشتم. اما

موج نفرت تقریباً بلافاصله شروع شد. به من اتهام بی‌عفتی و تن‌فروشی زدن و به خاطر زیر سؤال بردن اظهارات نخست‌وزیر پس از پایان اعتراضات، هدف حمله قرار گرفتم. شمار پیام‌هایی را که پاک کرده‌ام و افرادی که بلاک کرده‌ام از دستم در رفته است. اما کامنت‌های توهین‌آمیز همچنان سرازیر می‌شوند.» اشاره او به گفته ناندرا مودی نخست‌وزیر بود: «کسانی که به او اهانت کرده‌اند را می‌بخشد و از جامعه خواسته به‌جای مجازات با کشتادن آنها به دادگاه، رفتار مشابهی داشته باشند.» او ادامه می‌دهد: «به‌عنوان یک تولیدکننده محتوا، همین حالا هم با این حس زندگی می‌کنم که مدام زیر ذره‌بین هستم. اوایل اگر مردی باعث ناراحتی من می‌شد او را بلاک می‌کردم. به‌مرور زمان، الگوریتم اینستاگرام محتوای مرا بیشتر به زنان نشان داد. فکر می‌کنم همین موضوع در مقایسه با سایر زنان تولیدکننده محتوا، تأحی مرا از هتکای‌ها مصون نگه داشته بود.

مادرم مدت‌هاست دیگر کامنت‌های زیر پست‌هایم را نمی‌خواند. می‌گفت طاقث ندارد حرف‌هایی را که غریبه‌ها درباره دخترش می‌زنند، ببیند. درکش می‌کردم؛ کدام پدر و مادری از این حرف‌ها نمی‌ترسد؟ به‌عنوان یک زن در هند، شما با ترس بزرگ می‌شوید. به شما می‌گویند شب‌ها بیرون نمانید، حواستان باشد کجا می‌روید، با چه کسی هستید و چطور به خانه برمی‌گردید. خیلی زود با می‌گیرید که باید مدام به امن‌بودن فکر کنید. وقتی در فضای مجازی پیدای می‌کنید، آن ترس از بی‌نمی‌روید؛ فقط تا آنجا هم دنبال‌تان می‌آید.

وزن دانشجوی دیگری از تجربه خود می‌گوید: «این اولین اعتراضاتی بود که در آن شرکت می‌کردم، رقمم چون باور داشتم دانشجویان برای یک موضوع مهم در حال تلاش هستند. قبل از خروج از ایستگاه مترو، یک ویدئوی سریع ضبط کردم و به شوخی گفتم: «دارم می‌رم از پلیس کتک بخورم!» از همان ویدئوهای سرگرم‌کننده‌ای بود که معمولاً می‌سازم. بعداً ظهر همان روز، وقتی پلیس گاز اشک‌آور تولید کرد و به معترضان حمله‌ور شد، من به فیلم‌برداری ادامه دادم. صرفاً داشتم اتفاقات اطرافم را ضبط می‌کردم. کاری که همیشه می‌کنم. هرگز تصور نمی‌کردم آن ویدئوها را کسی غیر از دنبال‌کنندگانم ببینند. اما اشتباه می‌کردم.

یکی از ویدئوهایم در یک شبکه تلویزیونی سراسری پخش شد. خیلی زود، تصاویر چهارم در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد. یک نفر حتی فهمیده بود که کدام دانشگاه درس می‌خوانم، همان‌جا بود که فهمیدم ماجرا را حلمات آنلاین گذشته است؛ آنها سعی می‌کردند مرا پیدا کنند. پیام‌ها ناشناس به من می‌دادند. بعضی‌ها می‌گفتند مرا لو می‌دهند تا دستگیر شوم یا کتک بخورم. مردان با رکیک‌ترین الفاظ مرا به فحشا متهم می‌کردند و پیشنهادهای ناپسند جنسی می‌دادند، بدنام را مسخره می‌کردند و تهدید به خشونت می‌کردند. چیزی که بیش از همه مرا ترساند، خود توهین‌ها نبود، بلکه تبعات بعدی‌اش بود. فامیل و آشنایان با پدر و مادرم تماس می‌گرفتند و فشار می‌آوردند که ویدئوها را پاک کنم. دیدن ترس آنها ناپودگنده بود. تقریباً تمام ویدئوهای مربوط به اعتراضات را پاک با آرشئو کرده‌ام. من بیشتر نگران رفتاری هستم که ممکن است با پدر و مادرم بکنند.» طبق یک گزارش زنان معتقدند این روند یک تلاش سیاسی برای ساکت‌کردنشان بود، چراکه برای مردان این اتفاق رخ نداده است و این پرسش در جامعه هند مطرح شد که چرا زنان در فضای مجازی نمی‌توانند همان نظراتی را بیان کنند که مردان بیان می‌کنند؟